

تحلیلی پیرامون رویکرد اقتصادی زنان حاکمه قراختایی کرمان

جمشید روستا*، سحر پورمهدی‌زاده

استادیار گروه تاریخ، دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

تاریخ دریافت: (۱۳۹۵/۰۹/۱۴) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۶/۱۰/۱۶)

The Role of the Qara-Khitai Queens in Economic Situation of Kerman

Jamshid Rousta, Sahar Pourmehdizadeh

Assitant Professor, Department of History, Shahid Bahonar University of Kerman;
M.A in Islamic Iran History, Shahid Bahonar University of Kerman

Received: (2016. 12. 04)

Accepted: (2018. 01. 06)

Abstract

Reflecting on the Qara-Khitai Dynasty in Kerman (between 619 to 704 AH), we can see that coincides with the rule of the dynasty, some women, with the power to enter the political arena and can even be the King of Kerman. Despite the increasingly influential role in the prosperity of the kings of the political, social and economic part of Iranian territory over the centuries, in today's research, not paying enough attention to the position of these ruling women and their political, cultural and economic role have been neglected. Therefore, the present study uses an analytical method to introduce these female leaders in their direct and indirect activities in the development of Kerman's land policy and economy. The results show some female leaders at the head of the Kerman government and with political stability and expansion, Kerman provide the foundation for economic prosperity.

Keywords: ruling women, Kerman, Qara-Khitai Dynasty, politics, economics.

چکیده

با تأملی در تاریخ حکومت محلی قراختائیان کرمان (۶۱۹-۷۰۸ق) می‌توان دریافت که هم‌زمان با حاکمیت این سلسله، برخی از بانوان قراختائی، با کاردانی و لیاقت، وارد عرصه‌های سیاسی شده و حتی می‌توانند بر تخت حکومت قراختائیان کرمان، تکیه بزنند. به رغم نقش بسیار تأثیرگذار این زنان حاکمه در رونق سیاسی، اجتماعی و به ویژه اقتصادی بخشی از سرزمین ایران طی قرون گذشته، در تحقیقات و پژوهش‌های امروزی، توجه و عنایت کافی به جایگاه این زنان حاکمه، مبذول نشده و خدمات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آنان مغفول مانده است. از همین رو پژوهش حاضر با کاربرد روش تحلیلی بر آن است تا ضمن معرفی این زمامداران زن، فعالیت‌های مستقیم و غیرمستقیم آنان در توسعه سیاست و اقتصاد سرزمین کرمان را مورد واکاوی قرار دهد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که برخی از زنان این حکومت همچون ترکان خاتون و پادشاه خاتون توانستند بر صدر حکومت کرمان دست یافته و با ایجاد ثبات سیاسی و گسترش قلمرو، زمینه را برای رونق اقتصادی کرمان فراهم آورند.

کلیدواژه‌ها: زنان حاکمه، کرمان، قراختائیان، سیاست، اقتصاد.

۱. مقدمه

بدون تردید یکی از ویژگی‌های اصلی حاکمیت

قراختاییان کرمان، حضور چشمگیر زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی قلمرو این دولت است. این در حالی است که با تأملی در ادوار مختلف تاریخ ایران می‌توان دریافت که حضور سیاسی زنان در امور کلان مملکت، و به‌ویژه دستیابی آنان به تاج و تخت، بسیار محدود و انگشت‌شمار است (بیانی، ۱۳۵۲: مقدمه). از جمله اهدافی که پژوهش حاضر درصدد پیگیری و دستیابی به آنهاست می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱. بررسی و تبیین شیوه زمامداری و عملکرد سیاسی زنان حاکمه قراختایی؛ ۲. واکاوی فعالیت‌های مستقیم و غیرمستقیم زنان حاکمه قراختایی در حوزه اقتصاد سرزمین کرمان.

ضرورت و اهمیت تحقیق حاضر از آن روست که به رغم نزدیک به یک سده حاکمیت حکام قراختایی در ایالت کرمان و خدمات فراوان سیاسی و اقتصادی حکام دولت مذکور، به‌ویژه زنان حاکمه آن، این دولت کمتر مورد عنایت اندیشمندان و محققان ایرانی و غیرایرانی واقع شده و هنوز بسیاری از جنبه‌های تاریخی آن مغفول مانده است. نوشتار حاضر بر آن است تا ضمن بیان تاریخ سیاسی حاکمیت زنان حاکمه بر کرمان، خدمات اقتصادی آنان به مردمان این ایالت را یادآور گردد.

۲. پیشینه پژوهش

با تأملی دقیق در تحقیقات جدید انجام گرفته بر حکومت قراختاییان کرمان، می‌توان دریافت که در باب تاریخ سیاسی این حکومت و نحوه شکل‌گیری آن، در خلال آثار اندیشمندان گرانسنگی

با تأملی در تاریخ سرزمین ایران طی قرن هفتم هجری می‌توان دریافت که این سرزمین با حملات سهمگین قوم مغول مواجه شده و ایالات مختلف آن وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تازه‌ای را تجربه می‌نمایند. در این میان ایالت کرمان که از زمان آمدن غزها تا انحطاط خوارزمشاهیان، روی آسایش به خود ندیده بود (صرفی، ۱۳۹۰: ۱۲۳) با هجوم مغولان در مسیری جدید قرار گرفت. در این میان شخصی به نام براق حاجب که در آغاز از بزرگان دربار قراختایی بوده و سمت حاجبی گورخان را داشت (همت کرمانی، ۱۳۸۸: ۷۷) توانست به عنوان ایلچی در دستگاه سلطان علاءالدین تکش و سپس سلطان محمد خوارزمشاه وارد شود (منشی کرمانی، ۱۳۲۸: ۲۲). بعد از مرگ سلطان محمد، در حدود سال ۶۱۷ق، براق توانست در سلک یاران غیاث‌الدین پیرشاه - پسر سلطان محمدخوارزمشاه - درآید؛ وی پس از مشاهده انحطاط خوارزمشاهیان، عرصه را برای بهره برداری از شرایط موجود، مناسب دید و سرانجام در درگیری با شجاع‌الدین ابوالقاسم زوزنی که از جانب غیاث‌الدین پیرشاه، والی کرمان بود توانست بر شجاع‌الدین، غالب شده و حکومتی به نام قراختاییان - که قتلغ خانیه هم خوانده می‌شود - ایجاد کند (اقبال، ۱۳۸۸: ۴۱۶) وی با اظهار اطاعت نسبت به خان مغول، زمینه حکومت خود و خاندانش را بر کرمان فراهم ساخت. چنان‌که نه تن از افراد این خاندان توانستند بر تخت حکومت کرمان تکیه زده (مستوفی، ۱۳۶۲: ۵۲۷) و فصلی جدید در تاریخ کرمان به وجود آورند.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس هدف، از نوع تحقیقات بنیادی و براساس ماهیت و روش، از نوع تحقیقات تحلیلی است. برای تأمین این منظور، داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز، از میان منابع و پژوهش‌های صورت گرفته قبلی، استخراج گردیده و تا حصول نتایج علمی، مورد تجزیه و تحلیل کیفی قرار گرفته است. به عبارت بهتر، این نوشتار به روش کتابخانه‌ای و با فیش‌برداری از نسخ خطی، منابع اصلی (به دو زبان فارسی و عربی) و نیز تحقیقات جدید انجام پذیرفته است. در انتخاب این روش آنچه بیش از همه اهمیت داشته بهره‌برداری از نسخ خطی و منابع اصیل تاریخی و ادبی بوده و همه مطالب برگرفته از این آثار، براساس نوع موضوع و توالی زمانی، تنظیم گردیده است. لازم به ذکر است که به این ترتیب می‌توان صحت و سقم مطالب را براساس ترجیح به اسناد یا موثق بودن راوی، سنجید. در آخر نیز می‌توان با استفاده از قاعده ترجیح عقلی، به نقد نظرات مورخان و ادبا پرداخته، و ضمن ارائه نظرات خویش، به تحریر مطالب اقدام کرد.

۴. زمامداری ترکان خاتون قراختایی و

رویکرد وی نسبت به اوضاع اقتصادی کرمان حکومت محلی و کمتر شناخته شده قراختاییان کرمان، در حدود سال ۶۱۹ق/ ۱۲۲۳م و توسط فردی به نام بُراق حاجب، بنیان نهاده شد. حکومتی که پس از وی نیز در میان فرزندان و نوادگانش ادامه یافته و مدت زمانی بیش از ۸۰ سال (۶۱۹-۷۰۴ق/ ۱۲۲۳-۱۳۰۵م) بر نواحی کرمان و اطراف آن، اقتدار داشت.

همچون جورج لین، در کتاب *ایران در اوایل عهد ایلخانان (رنسانس ایرانی)* و عباس اقبال آشتیانی در کتاب *تاریخ مغول*، مطالبی به میان آمده است و یا در مقالاتی همچون: «تحلیلی بر چگونگی شکل‌گیری دولت قراختایی» و «ایلچیان قراختایی در دربار خوارزمشاهیان؛ زمینه‌های تأسیس سلسله قراختاییان کرمان» نوشته جمشید روستا (که به ترتیب در شماره ۵۳ مجله *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان* (۱۳۸۷) و شماره ۷۰/۵ مجله *تاریخ ایران* (۱۳۹۱) منتشر شده)؛ «قراختاییان کرمان» از عباس ضیائی، منتشر شده در *مجله مطالعات ایرانی* (شماره ۸، پاییز ۱۳۸۴) نیز به تاریخ سیاسی قراختاییان کرمان، پرداخته شده است؛ اما با کمال تأسف، تاکنون نقش و جایگاه زمامداران زن قراختایی در اوضاع اقتصادی قلمرو قراختاییان کرمان، کمتر مورد عنایت محققان و اندیشمندان قرار گرفته و از چشم تیزبین آنان دور مانده است. البته موجب خرسندی است که پروین ترکمنی‌آذر (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش هوشمندی و تدبیر سیاسی حکومتگران در ایجاد امنیت و توسعه جامعه (مطالعه موردی حکومت ترکان خاتون قراختایی در کرمان)» (فصلنامه *جستارهای تاریخی*، دوره اول، ش ۱)، از اقدامات سیاسی و امنیتی ترکان خاتون قراختایی، سخن به میان آورده است، اما باز آنچه مغفول مانده اقدامات اقتصادی این حاکمان زن، راه‌های تجاری کرمان و کاروانسراه‌های این ایالت و محصولات تجاری هم‌زمان با حاکمیت آنهاست. مواردی بسیار مهم که نوشتار حاضر بر آن است تا در حد توان بدان‌ها بپردازد.

جهت‌گیری بود، بعد از او اباقاخان روند توسعه تجارت را دنبال کرد و در نوامبر ۱۲۷۹م با صدور فرمانی، امنیت عبور و مرور را تضمین نمود؛ در نتیجه توجه به تجارت بیشتر شد (ر.ک: کریمی؛ رضایی، ۱۳۹۲: ۵۶).

لذا همزمانی ترکان خاتون با این دو ایلخان زمینه را برای گسترش تجارت در کرمان فراهم ساخت. در دوران فرمانروای او، تجارت کرمان روز به روز رونق بیشتری یافت. عبدالرسول خیراندیش این امر را ناشی از انتقال مرکز تجارت خلیج فارس از کیش به هرموز می‌داند (ر.ک: خیراندیش، ۱۳۷۹: ۲۸). هرموز که از زمان قدرت‌گیری سلجوقیان، به‌عنوان بندر تجاری، سهم به‌سزایی در تجارت دریایی و زمینی ایران ایفا می‌کرد، پس از یک دوره رکود، مجدداً در زمان قراختاییان رو به رشد نهاد (رضوی، ۱۳۹۰: ۳۰۹)؛ در واقع

از آنجاکه در قرن هفتم هجری تهاجمات مغولان صفحات شمالی آسیا از چین تا ایران و شام را در نوردید و نیز جدال‌های طولانی میان جانشینان چنگیز خان در آسیای مرکزی، قفقاز و شمال چین رخ داد تجارت جهانی از طریق اقیانوس هند و خلیج فارس گسترش بیش از اندازه‌ای یافت. برای تجارت در خلیج فارس دو ایالت فارس و کرمان سخت در رقابت بودند و برای یک دوره که ترکان خاتون فرمانروایی کرمان را برعهده داشت آن ایالت برتری خاصی در امر تجارت به دست آورد و کرمان از یک سو با یزد و اصفهان تجارت می‌کرد و از سوی دیگر با خراسان و هند، و اینها همگی با تجارت دریایی کرمان مرتبط بودند (خیراندیش، ۱۳۷۹: ۲۸)

علاوه بر تجارت دریایی، نباید اهمیت

اگرچه براق، مؤسس قراختاییان کرمان بود؛ اما در واقع با بر تخت نشستن ملکه‌ای با نام قتلغ ترکان (ترکان خاتون) در سال ۶۵۵ق بود که اوضاع کرمان در جنبه‌های مختلف، رو به بهبود نهاد. این ملکه قراختایی با قدرت تمام، توانست به حکومت کرمان دست یافته و با شیوه خاص حکومتداری خود، همچون مدارا با مغولان و ایلخانان، واگذاری مالیات مشخص به ایلخانان و ارائه خدمات نظامی و ازدواج‌های سیاسی با آنان، علاوه بر بقای حکومت خود و کنار زدن رقبای سیاسی، قدرت خود را به مناطق اطراف کرمان نیز گسترش دهد. بدین ترتیب وی با کردانی و درایت خود و بزرگان دربارش توانست عصر زرین حکومت قراختایی در کرمان را رقم بزند.

بدون شک عمده اقدامات تجاری قراختاییان به زمان حکومت ترکان خاتون بازمی‌گردد؛ بدین ترتیب که ترکان خاتون از یک طرف با ایجاد حکومتی قدرتمند و برقراری ثبات سیاسی در جهت رونق تجاری کرمان گام برداشت و از طرفی دیگر، مصادف شدن حکومت او با تشکیل حکومت ایلخانی در ایران، و نوع مناسبات سیاسی وی با حکام ایلخانی، بستری مناسب را برای رونق تجارت، فراهم ساخت. توضیح آنکه مغولان از دیرباز به نقش تجارت در رفع نیازها و فروش محصولات خود پی برده بودند و عقیده داشتند که تجارت مانند خون در پیکر کشور، اهمیتی حیاتی دارد چنان‌که چنگیزخان امنیت و شرایط مناسبی برای تجار به وجود آورد. لذا سیاست تجاری چنگیزخان و جانشینانش توسط ایلخانان در ایران ادامه یافت. در ادوار اولیه حکومت ایلخانان، رفتار هولاکو با تجار بغداد نشان دهنده این

راه‌های تجاری خشکی منتهی به کرمان را نادیده گرفت. ارتباط تجاری و صادرات کالاهای کرمان به فارس، خراسان و شوشتر و آمد و رفت بازرگانان خراسان، سیستان، قهستان، ماورالنهر و عراق به کرمان و نیز رفت و آمد کاروان‌های تجاری از راه سیرجان به مکران تأثیر زیادی بر رونق اقتصادی و تجاری کرمان گذاشت (ر. ک: ترکمنی آذر، ۱۳۸۹: ۱۱) اما آنچه که سبب این تجارت گسترده شده بود امنیتی بود که ترکان خاتون در نتیجه ثبات سیاسی در کرمان به وجود آورد. او از همان ابتدای حکومت خود دست به اقداماتی زد که سبب شد تجار مختلف به کرمان روی آورند «در تعمیر ولایت و ترفیه رعیت و تمهید بساط عدل و احسان و تشیید قواعد اتنان سعی تمام فرمود» (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۳/ ۲۶۸).

لذا در اولین اقدام، به احداث رباط‌ها^۱ روی آورد و املاکی بر آنها وقف نمود. در آن زمان رباط‌ها که نقش کاروانسرا^۲ داشتند، نقش مهمی در تسهیل ارتباطات تجاری ایفا می‌کردند (ر. ک: خیراندیش، ۱۳۷۹: ۲۸) از جمله رباط‌هایی که ترکان خاتون ایجاد کرد، در فهرج باغین بود - این روستا در مسیر فارس قرار داشت - وی تمامی درآمد این روستا را

وقف این رباط کرد و همچنین پنج دانگ و نیم سهم از درآمد روستای کاثویه - از قرای رودان - و سی سهم از قریه رقاباد، که آن هم از قرای رودان بود، بدان وقف نمود. برای اداره این رباط، امام ضیاءالدین حسن را که به صلاح و عفاف معروف بود، در فهرج ساکن گردانید تا به مسافران خدمت کند و امام مسجد آن رباط باشد و اعلام کرد در مقابل این کار وی سالانه دو هزار من گندم و دوازده دینار زر رکنی به او دهند و همچنین دستور داد که شخصی از صلحا به مؤذنی مسجد قیام کند و به وی هر سال پانصد من غله بدهند و جهت عمران و آبادی رباط، مستخدمی را که موظف به پاک کردن پشت‌بام از برف و بستن و گشادن درب و آگاهی از خراب و آبادی رباط به کار گمارد و همچنین شخصی برای اداره حمای، که در آن روستا برای رفاه حال مسافران بنا شده بود، استخدام کرد و مقرر کرد سالانه پانصد من گندم از محل موقوفه به صورت نصف به آنها پرداخت شود (ر. ک. تاریخ شامی قراخطاییان کرمان، ۱۳۹۰: ۳۴۴). ایجاد این رباط در مسیر فارس سبب بهبود راه‌های تجاری کرمان به فارس گردید. راه‌هایی که کرمان را به فارس مرتبط می‌ساخت: ۱. راهی بود که از طریق شبانکاره به فارس می‌رسید. این راه از دو طریق به فارس مربوط می‌شد، یکی از راه شهر بابک به بخشی از شبانکاره و سپس به فارس می‌رسید (ر. ک: رضوی، ۱۳۹۰: ۲۸۳)؛ دیگر راهی که به فارس مربوط می‌شد راهی بود که از سیرجان به اصطهبانات در

۱. رباط منحصراً به ساختمان‌های کنار راه و به‌ویژه بیرون از شهر و آبادی اطلاق می‌شود و از روزگاری بسیار کهن به زبان تازی راه یافته (پیرنیا؛ افسر، ۱۳۵۰: ۱۲۶).

۲. نام کاروانسرا ترکیبی است از کاروان (کاربان) به معنی جمعی مسافر که گروهی سفر می‌کنند و سرای به معنی خانه و مکان. هردو کلمه مأخوذ از پهلوی ساسانی است (کیانی؛ کلایس، ۱۳۷۳: ۱).

خندق که در کنار دروازه خبیص^۱ و بر طریق محله شاه‌یجان بود ایجاد کرد و سهامی از دیه جنابه بدان وقف نمود تا صرف معیشت شیخ ساکن در آن و امام و مؤذن و دیگر خدمه آنجا شود و «از صادر و وارد و ابناى سبیل پذیرایی گردد» (خیراندیش، ۱۳۷۹: ۲۹).

خبیص که ظاهراً از مناطق مهم تجارتي کرمان محسوب می‌شده، از سوی ترکان خاتون بسیار مورد توجه بوده است؛ چرا که دروازه ارتباط کرمان با سیستان و خراسان بوده است. در واقع، اهمیت راه‌های ارتباطی کرمان به سیستان و خراسان ترکان خاتون را بر آن داشت تا به مناطقی که در مسیر سیستان و خراسان قرار داشتند، توجه کند به همین دلیل ابتدا با ایجاد رباط بر در دروازه منطقه خبیص موجبات رفاه حال مسافران و تجاری که از این مناطق عبور می‌کردند را فراهم آورد و در قدم بعد با توجه به دو منطقه تجاری بسیار مهم جیرفت و بم، سعی کرد با اقداماتی امنیت این مناطق را فراهم آورد و در وهله اول به اقدام علیه نكوداریان آ روی نمود؛ چرا که ایالت کرمان خصوصاً نواحی گرمسیری آن همواره در معرض حملات مداوم نكوداریان قرار داشت و از آنجایی که اکثر درآمد کرمان از شاهراه هرموز به کرمان به دست می‌آمد و جیرفت و

شبانکاره می‌آمد و آنگاه از طریق سروستان به شیراز می‌رفت. (ر. ک: رضوی، ۱۳۹۰: ۳۸۳). لازم به یادآوری است که دو راهی که از طریق شهر بابک و سیرجان به شیراز راه پیدا می‌کردند کوتاه‌ترین راه‌ها بودند و طولانی‌ترین راه، راه کرمان به شیراز بود که صد و یک فرسنگ طول داشت (ر. ک: عباسی؛ امیری، ۱۳۹۰: ۳۰۹). لسترنج راه ارتباطی فارس و کرمان را این‌طور بیان می‌کند:

راه‌هایی که از فارس به کرمان می‌آمد در بیمند چهار فرسخی باختر سیرجان به هم می‌رسید. بدین‌گونه که از شمال خاوری راهی بود که از اناس و ناحیه رودان به بیمند می‌آمد. . . از صاهک بزرگ تا بیمند (و سیرجان) دو راه بود که مسافت آنها با فرسخ معین شده است. یکی از شهر بابک می‌گذشت. . . و دیگری از کویر گذشته یکسره به بیمند می‌رسید و آن هم از دو راه که اولی از ده نمک می‌گذشت و دومی از کاروانسرای پشت خم. علاوه بر این مقدسی راه نیریز به بیمند و سیرجان را (با تعیین منزلگاه‌ها) ثبت کرده است (لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۴۳)

از رباط‌های دیگری که ترکان خاتون ایجاد کرد، رباط خضرآباد کوبنات بود که وی بر این رباط نیز موقوفاتی قرار داد؛ دیگری رباط کهنات بود و سهامی از قریه راور بر آن وقف گردانید و مقرر شد که مسافران این رباط از مزایای آن استفاده نمایند. تاریخ این سه موقوفه سال ۶۶۰ق آمده است (همان: ۳۴۹-۳۵۰). علاوه بر این سه رباط، ترکان خاتون در سال ۶۶۵ق رباطی موسوم به کنار

۱. خبیص معرب هبیج است. این شهر از زمان‌های بسیار قدیم و حتی دوران ما قبل معمور بوده و موقع مناسبی در سر راه‌های بزرگ تاریخی داشته و دروازه ارتباط سیستان و بلوچستان به کرمان و خراسان بوده است (ضیاء شهبابی، ۱۳۸۱: ۱۰۸-۱۰۹).

۲. نكوداریان بنا به گفته فارسانمه ناصری قبیله‌ای از مغول بودند (حسینی فسائی، ۱۳۶۷: ۱ / ۲۷۰).

نظام‌الدوله والدین که بر اثر حمله نکوداریان آسیب دیده بود، عمارت شد «این زمان به یمن همت و فر دولت او حصنی حصین و حصاری منیع است» (همانجا)؛ و نظام الملک مجدالمه در بازسازی قلعه اندوهجرد که بارها مورد هجوم اقوام نکوداریان شده بود، تلاش زیادی نمود. بنا به نوشته تاریخ شاهی، این منطقه از مناطق آباد و پررونق بوده است:

تمامت مردم آن ولایت از نعمت و رفاهیت ممتلی و بر وساده آسایش و فراغت متکی (همان: ۳۹۱).

و در سیرچ مجدداً حصاری محکم و بنایی معظم ایجاد کرد و شیخ جمال‌الدین ارسلان در ولایت خبق، کنگره‌ها و حصارهایی ایجاد کرد و در اشتادان به سعی جمال‌الدوله ابهری حصاری منیع تجدید شد. علاوه بر این مناطق، در نواحی بیق و ولایت پسکوه - که بر سر بیابان سجستان و قهستان قرار داشت - عمارت و حصارهایی به وجود آوردند و سیزده راه دیگر به واسطه این قلاع در امان ماندند (همان: ۳۹۴).

با این اقدامات، ترکان خاتون سبب رونق راه‌های تجاری که از این مناطق عبور می‌کردند، شد؛ این راه‌ها عبارت بودند از:

۱. راه‌های تجاری کرمان به خراسان: چند راه کرمان را به خراسان متصل می‌کرد اما راه اصلی کرمان به خراسان از طریق راور، دربند، دهوک، طبس، گناباد، زاوه و ترشیز به نیشابور می‌رسید یک شاخه از این راه از دربند به سوی بیرجند و از آنجا به گناباد می‌رفت، و شاخه دیگر از این راه در غرب به سبزواری می‌رسید. راه مهم

بم دو منطقه مهم بر سر این راه بودند، این حملات می‌توانست تأثیرات هرچند مقطعی بر تجارت این حوزه بگذارد (ر.ک: عباسی؛ امیری، ۱۳۹۰: ۳۱۴). لذا ترکان خاتون دستور حراست از دو منطقه جیرفت و بم را به وسیله نیروهای ترک و تازیک صادر کرد:

محافظت بم و حراست آن قلعه محکم که از معظمات ممالک کرمان است - به لشکر ترک حوالت باشد - و سردار ایشان سنگر ملک و حفظ و حمایت جیرفت به سپاه تازیک و امرا ایشان مفوض - و به پیشوای ایشان ملک نجم‌الدین پسر شمس‌الدین عمر و به ضرورت در حفظ و قایت این دو ناحیت - که به کمال فسحت مشهورند و به وفور سببت مذکور - به وجود مردان نامدار و دلیران کارزار احتیاج می‌افتاد ... (تاریخ شاهی قراختاییان کرمان، ۱۳۹۰: ۴۴۰).

اما اقدام بعدی ترکان خاتون، برای راندن نکوداریان، حصارسازی در برخی مناطق بود. او در سال ۶۷۸ق دستور داد تا «در هر دیهی و ناحیتی حصاری استوار بسازند و فصیل‌ها بکشند» (همان: ۳۹۳) و مقداری از هزینه آن را از دیوان ترتیب دادند و وجهی را از رعیت گرفتند؛ البته در این اقدام، برخی از کارگزاران ترکان خاتون نقش موثری داشتند و در مناطق مختلف حصارهایی ایجاد نمودند. به این منظور بر دیه سیف که در راه روستای خبیص قرار داشت، حصاری محکم ایجاد کردند و بر کاروانسرای ترکان خاتون، کنگره نهادند و دری بر آن آویختند و خبیص به همت صاحب اعظم

تجاری کرمان با مناطق شرقی از این مسیر انجام می‌شد. قطب‌الدین محمد قراختایی برای گرفتن تایید حکومت کرمان از اوکتای قان در سال ۶۳۳ق از همین مسیر به ماورالنهر و سپس به مغولستان رفته است (همانجا).

راه دیگری که از کرمان به سیستان می‌گذشت از نماشیر عبور می‌کرد به گفته مقدسی «راه حاجیان سیستان از اینجاست» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۶۵) لسترنج دربارهٔ موقعیت بازرگانی این منطقه می‌نویسد:

بازرگانی از اهل خراسان در آن شهر مقیم بوده و با عمان داد و ستد داشته اند نماشیر در راه حاجیان سیستان قرار داشت و از این رو بازاری برای کالاها و امتعهٔ قیمتی هند بود (لسترنج، ۱۳۳۷: ۲۳۵).

۳. راه کرمان به قهستان، نیمروز و زاولستان:

این راه مسیرهایی را که از هرموز و کرمان می‌آمد و در شهر گرمسیری بم به هم می‌پیوستند، به سمت ایالت‌های شرقی امتداد می‌داد. این جاده از بم به فهرج و از آنجا به سمت کویر می‌رفت و در نهایت به شهرهای مهم قهستان همانند تون و قائن می‌رسید. در ادامه هم به سمت شهرهای نیمروز و از آنجا به طرف زاولستان، هند و یا ماورالنهر می‌رفت. شاخه‌ای از این راه نیز به سمت مناطق جنوبی بلوچستان (مکران) می‌رفت و به بندر تجاری طیس (تیز) در سمت شمال شرقی دریای عمان - در نزدیکی چابهار کنونی - می‌رسید. تیز مهم‌ترین مرکز بازرگانی مکران در کنار خلیج فارس بود در قرن ششم هجری این بندر بر تجارت هرموز، که به علت ناامنی و ضعف

دیگر از طریق خبیص به بیرجند می‌آمد و از آنجا به گناباد می‌رفت و پس از گذشتن از قائن و گناباد به تربت حیدریه و نیشابور می‌پیوست. یکی از شاهراه‌هایی که از بغداد به ماورالنهر منتهی می‌شد با عبور از فارس وارد بردسیر می‌شد و از آنجا به خراسان می‌رفت. علاوه بر راه‌هایی که از سه شهر راور، خبیص و بردسیر می‌گذشت و کرمان را به شهرهای مختلف خراسان متصل می‌کرد راه دیگری از سیرجان به ماهان و از آنجا باز از طریق خبیص به خراسان می‌رفت. جیرفت هم از طریق گردنهٔ دهبکری به بم، کرمان، شهداد و خراسان متصل می‌شد. جیرفت صادرات گسترده‌ای از طریق راه‌های مواصلاتی به خراسان داشت (ر. ک: عباسی؛ امیری، ۱۳۹۰: ۳۰۷) علاوه بر این راه‌ها، راه‌هایی که از کرمان به قهستان و سیستان می‌آمدند در ادامه به خراسان پیوند می‌خوردند و از دو طریق به راه‌های این ایالت می‌پیوستند. از یک طریق به راهی می‌پیوستند که از نیشابور به قهستان می‌آمد و در نهایت به ترشیز، تون و قائن می‌رسید و از طریق دیگر به راهی می‌پیوست که از نیشابور به هرات و از آنجا به شهرهای سیستان می‌رفت (ر. ک: رضوی، ۱۳۹۰: ۲۸۴-۲۸۵).

۲. راه کرمان به سیستان: از کرمان به سیستان

دو راه وجود داشت یک راه با گذشتن از کرمان به خبیص و از طریق کویر به سیستان می‌رفت و از آنجا به ماورالنهر امتداد می‌یافت. اقدامات زمان سلجوقیان نقش مهمی در رونق این راه تجاری داشت و از آن زمان بخشی از مناسبات

یزد، اصفهان و تهران متصل می‌شدند، و این شهر محل عبور و مرور کاروان‌هایی بود که کالاهای خود را از طریق سیرجان به بندرعباس حمل می‌کردند تا اینکه از آنجا به وسیله کشتی به خارج صادر نمایند (وثوقی، ۱۳۸۰: ۱۶).

از دیگر اقدامات ترکان خاتون که در زمینه تجارت می‌توان به آن اشاره کرد، اقداماتی در جهت تأمین امنیت راه‌ها بود. او در سال ۶۷۳ق موقوفاتی برای تأمین راه‌ها برقرار نمود؛ بدین معنی که تمامی دیه کرمانشاهان بر راه کرمان به یزد و قسمتی از سهام دیه کاتوک رودان و نیز دیه صوفیان از همان ناحیه را وقف به‌کارگیری یک نفر سپاهی با سی نفر زیر دست، جهت تأمین راه قافله‌ها کرد. در وقفنامه‌ای که به این منظور تنظیم شد، مقرر گردید که تولیت آن با پادشاه کرمان باشد و سرکرده سی نفر سپاهی سالانه پنج هزار من غله به‌عنوان مواجب دریافت کند و به هریک از مستحفظان سی‌گانه، دو هزار من گندم داده شود (ر. ک. تاریخ شاهی قراختاییان کرمان، ۱۳۹۰: ۴۲۶؛ خیراندیش، ۱۳۷۹: ۲۹).

با این اقدام، راه تجاری کرمان به یزد و همچنین راه‌های منتهی به فارس، عراق عجم و شبانکاره بهبود بخشیده شد؛ در واقع راه تجاری کرمان به یزد به این صورت بود که این راه از شهرهای شمالی کرمان — که جزء مناطق سردسیر کرمان محسوب می‌شدند — می‌گذشت و از طریق بافق به یزد راه می‌یافت. در ادامه به راه ارتباطی شیراز — اصفهان می‌پیوست و از آنجا به عراق عجم مربوط می‌شد. خاندان پولو

سلجوقیان رو به خرابی رفته بود، تفوق و استیلا پیدا کرد (ر. ک: لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۵۲) در زمان قراختاییان و ایلخانان همچنان رونق ویژه‌ای داشت (ر. ک: رضوی، ۱۳۸۸: ۲۷)

از دیگر اقداماتی که ترکان خاتون انجام داد و در رونق تجارت کرمان مؤثر بود، فتح سیرجان بود. در توضیح این مطلب باید چنین بیان داشت که این منطقه از زمان فترت کرمان به تصرف شبانکاره درآمده بود و با وجود تلاش حکام نخستین قراختایی — براق حاجب (حک: ۶۱۹-۶۳۲ق)، رکن‌الدین سلطان (حک: ۶۳۳-۶۵۰ق) و قطب‌الدین سلطان (حک: ۶۵۰-۶۵۵ق) — باز پس‌گیری این منطقه میسر نشد؛ تا اینکه ترکان خاتون توانست آنجا را تصرف کند و این حرکت، علاوه بر اینکه برای وی پیروزی در امور سیاسی به‌شمار می‌رفت، به لحاظ اقتصادی هم موفقیتی برای ترکان بود زیرا سیرجان از مناطق درآمدزای کرمان بوده است: «سیرجان و مضافات گنج عمارت دارد و از آن ولایات انواع منالآت حاصل توان کرد» (تاریخ شاهی قراختاییان کرمان، ۱۳۹۰: ۳۶۵) و چنان‌که پیشتر هم اشاره شد، برخی کاروان‌های تجاری از راه سیرجان به مکران راه پیدا می‌کردند که این امر خود تأثیر زیادی بر رونق اقتصادی و تجاری کرمان می‌گذاشت و همچنین بخشی از راه کرمان به شیراز، از منطقه سیرجان عبور می‌کرد. علی‌اکبر وثوقی درباره سیرجان می‌نویسد:

از قدیم الایام راه‌های ارتباطی زیادی از سیرجان به شیراز، بندرعباس، جیرفت، کرمان،

از همین راه به کرمان و از آن طریق به هرموز رفتند (ر. ک: رضوی، ۱۳۹۰: ۲۸۵). مارکوپولو درباره راه یزد به کرمان می‌گوید:

اگر کسی بخواهد از این سرزمین‌ها حرکت کرده جلوتر برود، باید هفت روز سواری‌کنان در صحرائی پیش رود که تنها در سه نقطه آن می‌توان برای استراحت توقف کرد (میلیونه، ۱۳۶۹: ۴۳).

علاوه بر این، ترکان خاتون در سال ۶۷۴ق نگهبانانی در مرزها قرار داد و امر کرد به ازای هر صد دینار، یک دینار از ملوک و ارباب گرفته شود و

آن قسمت صد یک نام کردند و محصول آن در وجه معاش و ارزاق حفظه ثغور و اسب و سلاح ایشان نهادند (تاریخ شاهی قراخطاییان کرمان، ۱۳۹۰: ۴۴۵).

اقدام دیگر ترکان خاتون در زمینه تجارت وقف آسیاب بهرامجرد بود. ترکان خاتون این آسیاب و آب آن را از صاحبانش خرید تا درآمد آن برای امام جماعت، موزن، مسافران و میهمانان به صورت موقوفه وقف شود. (ر. ک:

خیراندیش، ۱۳۷۹: ۲۹) علاوه بر این اقدامات، ترکان خاتون به مسأله آبیاری منطقه تحت فرمانروایی خود توجه داشت و به دستور او قنات‌ها زیادی به وجود آمد که قطعاً در رونق کشاورزی منطقه تأثیر زیادی داشته است (ر. ک: گابریل، ۱۳۸۱: ۲۲۷). لهذا با این اقدامات، رونق اقتصادی کرمان به آنجا رسید که ثروتمندان کرمان هر چه در خانه داشتند، وارد بازار تجارت کردند:

هر زر دوخته که اخلاف محتشمان قدیم و

ریات بیوتات دیرینه از گنجینه افاضات آفتاب به میراث یافته بودند و از بیم غارت مریخ و استعارات زهره، قرن‌های فراوان در نهانخانه دور قمر پنهان داشته بودند، درین وقت به بازار عطارد آوردند (تاریخ شاهی قراخطاییان کرمان، ۱۳۹۰: ۳۴۲).

از نشانه‌های این رونق اقتصادی می‌توان به درآمد قنادخانه کرمان اشاره کرد که شکر وارداتی هند را به حلوا تبدیل می‌کرد (ر. ک: روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۷۶). در واقع ارتباط کرمان با هند از دو طریق صورت می‌گرفت یک مسیر آن از طریق عبور از بم و بیابان گدورزیا در مکران به دهانه سند و شمال هند متصل می‌گردید و مسیر دیگر از طریق جیرفت به هرموز و از راه ساحلی و دریایی به تیز و سواحل شرقی هند می‌رسید (ر. ک: هادی‌زاده کاخکی، ۱۳۸۹: ۱۵).

یکی دیگر از نشانه‌های رونق اقتصادی کرمان در زمان ترکان خاتون، حضور تجار و متمولان ممالک دیگر در کرمان بود. ناصرالدین منشی در این باره می‌نویسد:

اکثر تجار و متمولان شرق و غرب و غرباء امصار بر و بحر توطن و اقامت کرمان را جهت صفاء هوا و عذوبت آب، وسعت منزل و خصب عیش و شمول عدل و کمال امن اختیار کردند. . . و ترکان خاتون به حال همه می‌رسید و از کار و روزگارشان می‌پرسید و می‌نواخت و نیکو می‌داشت (منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۴۱).

علاوه بر اقدامات و تدابیر ترکان خاتون در امر تجارت، باید به نقش وزیر ترکان

خاتون، یعنی فخرالملک شمس‌الدین^۱، اشاره کرد:

پادشاه هرچند در غایت دانایی و کمال و کیاست باشد او را از وزیری مرشد و پیشکاری ناصح چاره نباشد (تاریخ شاهی قراختاییان کرمان، ۱۳۹۰: ۲۱۶).

وزیر ترکان خاتون فخرالملک،

در استحکام و تثبیت موقعیت او نقش مهم داشت. او آنجا که ترکان خاتون به خطا می‌رفت، در صدد ترمیم اوضاع بر می‌آمد و حتی گاه برای جبران رفتار مناقشه‌آمیز خاتون از مال خود دریغ نمی‌کرد (ترکمنی آذر، ۱۳۸۹: ۱۰).

در نتیجه تدابیر او، امنیت لازم در کرمان به وجود آمد و کار دیوان، که نقش موثری در اوضاع اقتصادی کرمان داشت، رونق گرفت:

به یمن آن وزیر دین‌دار، کار دواوین، رواج و رونقی تمام گرفته بود و نظام و نسقی به کمال یافته، دست تطاول و تعدی عمال قوی از ریش و گریبان رعایا ضعیف منقطع، و چنگال تصلب و تحکم محصلان بی‌محابا از سر مال و عیال ضعفا مسلمانان مندفع. ولایات به سعی معمار عدل آباد و رعایا در پناه جاه و امن و خصب مستظهر و دلشاد، ملاک املاک از حسن حال و فرط منال چون شجر بارور با برگ و نوا و اهل سلاح از وفور امن و سلامت چون تیغ در قراب و تیر در ترکش آسوده و برجها، گردون به زبان گردش، ندا در فضاء

زمین و زمان و عناصر و ارکان می‌داد (تاریخ شاهی قراختاییان کرمان، ۱۳۹۰: ۳۴۱).

ترکان خاتون، علاوه بر بهره‌گیری از وزرای کاردانی چون فخرالملک، از وجود مستوفیان^۲ قابلی چون ظهیرالملک، نیز بهره‌مند بود:

صاحب ظهیرالملک به وفور کفایت و فرط درایت و رای ثاقب و تدبیر صایب از توفیر ولایت و تکثیر رعیت مال‌های وافر و مال‌های متکثر در خزانه و دیوان حاصل گرداند. . . (همان: ۳۶۱-۳۶۲).

در مجموع همه این عوامل سبب شدند که کرمان عصر ترکان خاتون عصر طلائی خود را در زمینه تجارت خشکی و آبی با سایر نواحی داخلی و خارجی ایران طی نماید (ر. ک: عباسی؛ امیری، ۱۳۹۰: ۳۰۴). بعد از ترکان خاتون، حکومت کرمان بر جلال‌الدین سیورغمش (حک: ۶۸۱-۶۹۰ ق) قرار گرفت. در باب اوضاع تجاری کرمان در زمان او اطلاعی چندانی در دست نیست جز آنکه، او حاکم مکران را که در زمان او دست به تمرد می‌زند، به اطاعت واداشت: «گردن تمرد ملوک مکران را به قرعه صلابت و بآس شهنشاهانه، نرم

۲. مستوفی کسی بوده که اداره جمع اموال دیوانی و دخل و خرج و ضبط محاسبات را به عهده داشته است (ر. ک: مرسلپور، ۱۳۸۷: ۱۳۱). مستوفیان ترکان خاتون به ترتیب نظام‌الملک ظفرالدین، صاحب معظم صفی‌الملک ظهیرالدین - ظهیرالملک - (ر. ک: ناشناس، ۱۳۹۰: ۳۴۰-۳۳۶)، خواجه یمین‌الملک ظهیرالدین بن فخرالدین‌الدین نظام‌الملک احمد بن تاج‌الدوله بوده‌اند (ر. ک: منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۳۲).

۱. بعد از مرگ فخرالملک شمس‌الدین، وزارت دیوان اعلی ترکان خاتون به ترتیب بر خواجه قوام‌الملک فخرالدین یحیی و خواجه نظام‌الدین ابوالکفایت قرار گرفت (ر. ک: منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۴۴-۵۱).

(کیش) و بحرین را تصرف کند (ر. ک: شبانکاره‌ای، ۱۳۶۲: ۲۰۲). این دو منطقه که از مناطق مهم تجارتهی محسوب میشدند، نقش به‌سزایی در رونق تجارتهی دوران حکومت وی ایفا کردند. در باب این دو منطقه باید بیان نمود که هم کیش و هم بحرین، علاوه بر اینکه از صادرکنندگان عمده مروارید به‌شمار می‌رفتند، به لحاظ کشاورزی نیز از مناطق پررونق و آباد بودند. در باب کیش آورده‌اند:

کیش از لحاظ حاصلخیزی یکی از بهترین جزایر خلیج است و از قدیم باغات و نخلستان‌ها و تاکستان‌های آن معروف بوده مابین این جزیره و ساحل شییکوه مغاص مروارید است و کیش از خیلی پیش مرکز داد و ستد مروارید نیز شهرت داشته. . . (اقبال، ۱۳۲۸: ۷).

و در باب بحرین آمده است:

نخیل و مرکبات و انار و انجیر و لوز و موز فراوان و زیاد آنجا هست. . . غالب سکنه و اهالی آنجا غواص و مروارید فروشند. مروارید آن جزیره ممتاز و مشهور است (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۰: ۲۲۹-۲۳۰).

علاوه بر این، پادشاه خاتون بر منطقه مهم و تجارتهی هرموز، که از اوایل عهد مغول از دارالتجاره‌های معتبر دنیا و بزرگترین مرکز تجارت بین سواحل ایران و عربستان و هندوستان بود، نیز مسلط بود (اقبال، ۱۳۲۸: ۸). وی در کار ملوک هرموز دخالت می‌کرد؛ چنان‌که او رکن‌الدین مسعود را از حکومت هرموز برکنار و بهاء‌الدین ایاز را به جای او حاکم هرموز کرد (ر. ک: منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۷۵).

گردانید» (منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۵۸). مکران یکی از مراکز بازرگانی مهم به‌شمار می‌رفت:

مهم‌ترین در آمد مکران از نیشکر و نوعی شکر سفید، موسوم به پانید، بود که معرب آن فانیذ است و از آنجا به بلاد مجاور صادر می‌گردید (لسترنج، ۱۳۷۷: ۳۵۲).

علاوه بر این منطقه، سلطان جلال‌الدین در کار ملوک هرموز دخالت می‌کرد و حاکم آنجا تابع او بود (ر. ک: منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۶۳).

۵. رویکرد پادشاه خاتون نسبت به اوضاع اقتصادی کرمان

بعد از سلطان جلال‌الدین، حکومت کرمان بر پادشاه خاتون (حک: ۶۹۰-۶۹۴ق) مقرر گردید. وی چون بر سریر مملکت کرمان نشست، با اقداماتی که انجام داد، مجدداً تجارت کرمان را رونق بخشید. در قدم اول، پادشاه خاتون بعد از آنکه اوضاع سیاسی را ثبات بخشید، به مناطق اطراف تاخت و تاز کرده و بر وسعت حوزه حکومت خود افزود. او با درخواست از ایلخان گیخاتو - همسر خود - بر حکومت یزد و شبانکاره دست یافت (همان: ۷۵)؛ لذا باید گفت اگرچه ترکان خاتون تسهیلاتی به منظور افزایش ارتباط تجاری کرمان با یزد و شبانکاره به وجود آورد و اوضاع تجاری کرمان با این مناطق را بهبود بخشید، اما دختر وی با تصرف این مناطق موانعی را که بر سر تجارت این مناطق بود، به‌طور کامل برداشت و بیش از پیش سبب رونق تجارت کرمان گردید. علاوه بر این دو منطقه، وی توانست دو ناحیه مهم قیس

خلیج فارس محور ارتباط بین اروپا، آفریقا، آسیای جنوبی و جنوب شرقی است و از نظر استراتژیک به عنوان مهم‌ترین مرکز ارتباطی میان سه قاره محسوب می‌شود و از این منظر همواره مورد توجه حکومتگران و بازرگانان مناطق مختلف بوده است (ر. ک: حافظ نیا، ۱۳۸۸:

۲۰)؛ چرا که

خلیج فارس جز صدف (مروارید) هرگز محصولی نداشت که اهمیت تجارتي داشته باشد، بلکه موضوع ارتباط بود که محصولات هند و چین و سواحل شرقی آفریقا را به سیراف و کنگ و جرون و هرمز می‌آورد و از راه‌های خشکی و اصلی ایران و عثمانی تا کناره‌های دریای سیاه و آدریاتیک و سایر سواحل دریای مدیترانه می‌رسانید (طباطبائی، ۱۳۶۸: ۵۱۱).

لذا مهم‌ترین راه ارتباطی که کرمان را به خلیج فارس متصل می‌کرد، راهی بود که از بندر هرموز آغاز می‌شد و پس از عبور از مناطق گرمسیر کرمان چون جغین و منوجان، به سمت جیرفت و از جیرفت به شهر کرمان می‌رسید و از طرق مختلف به تمامی ایالت‌های ایران راه می‌یافت و خطوط عمده این راه شهرهای عراق عجم و آذربایجان بود و در ادامه به روم و ارمنستان و بنادر تجاری دریای سیاه و مدیترانه ختم می‌شد (رضوی، ۱۳۹۰: ۲۸۵).

علاوه بر این، کرمان از راهی که از خلیج فارس عبور می‌کرد، به راه ادویه متصل می‌شد؛ چنان‌که گفته شد کرمان از طریق جیرفت به هرموز و از راه ساحلی و دریایی به تیز و سواحل شرقی هند می‌رسیده است (ر. ک: هادی

و بهاء‌الدین ایاز تا سال ۶۹۴ق که دارالحکومه خود را به جزیره جرون تغییر داد از ملوک قراختایی کرمان اطاعت می‌کرد (ر. ک: وثوقی، ۱۳۸۴: ۱۵۴-۱۵۳).

در واقع ملوک هرموز با اتخاذ سیاست مدارا در عهد حکومت‌های مقتدر از درگیر شدن با آنان در امان می‌ماندند و با اعلام استقلال در دوران ضعف و هرج و مرج در فارس و کرمان از درگیر شدن در مناقشات محلی و منطقه‌ای خود را بر کنار می‌کردند و به این ترتیب رونق و شکوفایی مداوم را برای مملکت خود به ارمغان می‌آوردند (رحیمی؛ جاوید، بی‌تا: ۱۱۴).

مارکوپولو که در حدود سال ۶۹۰ق در هرموز بوده، آن را از مراکز تجاری بزرگی می‌داند که بازرگانان مختلف به ویژه هندی‌ها در آن به داد و ستد می‌پرداخته‌اند:

اینجا بندری است که تجار هندی با کشتی‌هایشان که پر از ادویه، سنگ‌های قیمتی، مروارید، پارچه‌های زربفت، عاج فیل و بسیاری کالاهای دیگر می‌باشد، به آنجا می‌آیند و در آن شهر به تجار دیگری که آنها را به تمام دنیا می‌برند می‌فروشد. این جا شهری است پر رفت و آمد و بسیار شلوغ که بر اداره بسیاری از شهرها و روستاهای دیگر نظارت دارد (میلیونه، ۱۳۶۹: ۴۷).

در واقع باید گفت که هرموز نقش واسطه‌ای مهمی را برای کرمان ایفا می‌کرده است چنان‌که کرمان را به خلیج فارس و در نهایت به بنادر تجاری دریای سیاه و مدیترانه و سواحل شرقی هند ارتباط می‌داده است.

زاده کاخکی، ۱۳۸۹: ۱۵). مسافت راه از جیرفت به هرموز به این صورت بود:

نخست از جیرفت به ولاشگرد رود و از آنجا به دست چپ بازگردد تا کومین یک مرحله و از آنجا تا منوجان یک مرحله و از منوجان تا هرموز تا شهر و کنار دریا یک مرحله و از شهر تار و بست سه مرحله و از آنجا تا تارم سه مرحله (پیرنیا؛ افسر، ۱۳۵۰: ۱۰۹).

بندر هرموز در زمان مغولان گسترش فوق‌العاده‌ای یافت و یکی از مراکز بزرگ داد و ستد با خاور دور و مالابار و سیلان و هند و جاوه و سواحل و جزایر شرقی آفریقا و نواحی دیگر بود (ر. ک: آذری، ۱۳۶۷: ۸۴).

از عوامل دیگری که بر رونق تجاری کرمان اثر گذاشت همزمانی حکومت پادشاه خاتون با ایلخانی گیخاتو و تأثیرپذیری این منطقه، از تجارت کلی ایران بود:

در دوره ارغون و گیخاتو، تبریز از رونق بسیاری برخوردار شد و تجار اروپایی به‌ویژه جنوایی، به انتقال کالاهای مختلف به ویژه ابریشم، از طریق رود دن و ولگا به اروپا پرداختند (کریمی؛ رضائی، ۱۳۹۲: ۵۷).

این رونق تجاری تنها به شهرهای بزرگ محدود نبود و مناطق وسیع فارس، کرمان، عراق عجم، ارمنستان، عراق عرب و روم نیز نقش مهمی در حیات تجاری این عهد داشتند (ر. ک: رضوی، ۱۳۹۰: ۴۱۹). علاوه بر این، کرمان زمان پادشاه خاتون یکی از مراکز نشر چاو بود و این خود از رونق تجاری این منطقه حکایت می‌کند:

عراق عرب، عراق عجم، دیار بکر و دیار

ربیع، موصل، میافارقین، آذربایجان، شیراز، کرمان، خراسان از جمله مناطقی بود که اسباب و لوازم تأسیس چاوخانه و تولید چاو به آنها ارسال شدند. مناطق اخیر تمامی محل عبور کاروان‌های تجاری بودند و راه‌های معروف تجاری از آنها می‌گذشت (همان: ۲۵۱).

با توجه به موقعیت تبریز، کالاهای زیادی از هند و بغداد و خلیج فارس به این شهر وارد می‌شدند و بسیاری از تاجران لاتین، به‌ویژه جنوایی‌ها را برای خرید کالا جذب خود کرده بود. در جنوبی‌ترین مرکز تجاری راه تبریز مناطق کیش، هرموز و قشم قرار داشتند (ر. ک: فضلی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۴). از راه‌هایی که کرمان را به تبریز وصل می‌کرد راهی بود که در ادامه راه هرموز به کرمان قرار می‌گرفت. راه هرموز پس از رسیدن به کرمان در امتداد راه‌هایی که به فارس و عراق عجم می‌رفت، ادامه می‌یافت و پس از تلاقی با شاهراهی که از شیراز به عراق عجم می‌رفت، به طرف آذربایجان راه می‌پیمود (ر. ک: رضوی، ۱۳۸۸: ۳۳). در هر حال، راهی که این دو منطقه را به هم وصل می‌کرد اهمیت به‌سزایی داشت و محل آمد و شد کاروان‌ها از اقصی نقاط بود. جیرفت و شهرهای دیگر که در مسیر این راه قرار داشتند، جدا از سود حاصل از فروش کالاهای خود، سود زیادی را از حق عبور کالا به دست می‌آوردند (ر. ک: عباسی؛ امیری، ۱۳۹۰: ۳۱۰).

از اقدامات دیگر پادشاه خاتون در زمینه تجارت، امور عام‌المنفعه او بود؛ چرا که وی به منظور حفظ و ایجاد امنیت راه‌ها که رکن مهم اقتصادی به‌شمار می‌رفتند، وقفیاتی انجام

امر سبب نابه‌سامانی‌های اقتصادی شد چنان‌که در زمان قطب‌الدین شاه جهان - آخرین حکمران قراختایی - (حک: ۷۰۱-۷۰۴ق) اکثر راه‌ها بسته شدند و تردد تجار برافتاد (ر.ک: عباسی؛ امیری، ۱۳۹۰: ۳۱۰).

۶. محصولات تجاری کرمان در زمان حاکمیت زنان حاکمه قراختایی

کرمان به سبب داشتن موقعیت اقلیمی خاص، از تنوع محصولات گرمسیری و سردسیری برخوردار بوده است. محصول اصلی کشاورزی کرمان، مانند بسیاری از جاهای دیگر، گندم و جو بوده است و به دلیل کم‌آبی ارزش زیادی در این منطقه کاشته می‌شده است (ر.ک: مرسلپور، ۱۳۸۷: ۱۴۲). مؤلف حدود العالم محصولات کرمان را زیره، خرما، نیل، نیشکر و پانیذ معرفی می‌کند (ر.ک: حدود العالم، ۱۳۶۱: ۱۲۶). زیره و نیشکر از محصولات منطقه سیرجان است چنان‌که زکریا قزوینی درباره سیرجان می‌گوید:

قصبه ولایت کرمان بوده، آبادان و معمور و پر آب... نخل بسیار و نیشکر در آن ولایت به هم رسد... و زیره که مشهور است از آن ولایت به عالم برند (قزوینی، ۱۳۷۳: ۲۶۲).

یاقوت حموی که در قرن هفتم در کرمان بوده، خرمای کرمان را از خرمای بصره، برتر دانسته است (ر.ک: یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ۱۱۸/۲). مقدسی درباره خرما و نیل کرمان گوید: «خرمای خراسان و نیل فارس از اینجا برند» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۹۳/۲). از مناطق کرمان که در آن محصول خرما به دست می‌آمده، جیرفت

داد. او دستور داد افرادی در مسیر کاروان‌ها قرار گیرند تا کاروانیان را بدرقه کنند و برای مواجب آنها امر کرد تا به هریک از این مأمورین، سالیانه دو هزار من غله بدهند:

پادشاه خاتون ده مخصوص وقف می‌کرد تا سی مرد را هریک سالیانه دو هزار من غله از آن ده بدهند که اینان کاروانیان را بدرقه کنند در واقع این راه‌ها رکن اقتصادی ولایت بوده است (باستانی پاریزی، ۱۳۶۷: ۱۷۰).

علاوه بر این، پادشاه خاتون به منظور رفاه حال و آسایش مسافران و تجار، رباطی ایجاد کرد و عمادالدین عبدالاسلام - از نوادگان شیخ فضل‌الله توران پشته - را به عنوان ریاست آن رباط برگزید (ر.ک: خوافی، ۱۳۴۰: ۳۳۱/۱). مؤلف مجمل فصیحی محل این رباط را مشخص نمی‌کند ولی آنچه که مؤید است، این است که پادشاه خاتون به احوال همه گروه‌های مردم رسیدگی می‌کرده و آنها را مورد توجه و اکرام خود قرار می‌داده که قاعدتاً در رأس این گروه‌ها تجار قرار داشتند:

پادشاه خاتون طبقات مردم کرمان را غریق انعام و ایادی گردانید و به تخصیص ارباب عمائم را به صلوات گران و اصطناعات گرامند مخصوص فرمود به فنون احسان نوع انسان را بنده کردن در ذات مبارکش خود گرمی جلی و سخائی غریزی بود (منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۷۳).

با قتل پادشاه خاتون در سال ۶۹۴ق، اوضاع کرمان بسیار آشفته می‌شود؛ چرا که ناکارآمدی پادشاهان این دوره زمینه دخالت بیش از پیش ایلخانان مغول را در کرمان فراهم کرد و این

بوده است. جیرفت تجارتخانه خراسان و سیستان بود و سرزمینی بود که در آن محصولات سردسیری و گرمسیری به عمل می‌آمد و مهم‌ترین صادراتش نیل و هل و شکر و دوشاب بود (ر. ک: لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۳۷). جیرفت از اقلیم سوم است (ر. ک: حمدالله مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۴۰).

در زمان مغول کشت میوه‌جات پایگاه برجسته‌ای در اقتصاد ایران شد. در این زمینه مناطق مختلف ایران به کشت میوه‌جات می‌پرداختند. یکی از این نواحی کرمان بود و از جمله میوه‌هایی که در این زمان در کرمان به عمل می‌آمد، انجیر بود (ر. ک: پطروشفسکی؛ یان؛ اسمیت، ۱۳۶۶: ۲۸). علاوه بر انجیر، از میوه‌های دیگری که در این زمان دارای مرغوبیت بود، هندوانه است که به گفته باستانی پاریزی به هندوانه خانمی معروف بوده است. این هندوانه بسیار شیرین و با تخمه‌های بسیار ریز بود که به مناطق دیگر صادر می‌شد. او معتقد است این نسبت مربوط به ترکان خاتون است:

در کرمان یک نسبت هندوانه خانمی داریم و آن هندوانه ایست بس شیرین و با تخمه‌های بسیار ریز و کوچک اگر غلط نکنم این نسبت شاید مربوط به ترکان خاتون حاکم مقتدر و زیبای قراختایی کرمان بوده باشد (باستانی پاریزی، ۱۳۶۷: ۵۰۶).

از محصولات دیگر کرمان توتیا بود که در این میان توتیای کوهبنان و بهاباد معروف بود و به تمام ممالک صادر می‌شد (ر. ک: لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۳۱) «از نواحی بردسیر کوبناست که از آنجا توتیا خیزد و به همه جهان از آنجا نقل

کنند» (افضل‌الدین کرمانی، ۲۵۳۶: ۱۳۱). مارکوپولو که همزمان با حکومت قراختاییان به ایران آمده بود توتیای کرمان را از مرغوب‌ترین توتیاها معرفی می‌کند: «توتیای کرمان از مرغوبیت خاصی برخوردار بود» (گابریل، ۱۳۸۱: ۳۰۲).

محصول دیگر کرمان ابریشم بوده است چنان‌که یکی از درآمدها و سودهای زمان ترکان خاتون نیز ابریشم بوده است (ر. ک: تاریخ‌شاهی قراختاییان کرمان، ۱۳۹۰: ۳۴۲-۳۴۳). در میان مناطق کرمان، نرماشیر بم از مناطق ابریشم‌خیز بوده است:

بر شرقی شهر بم نرماشیر است ولایتی نزه و بقعه فسیح رقع، در وی فواکه بردسیر و گرمسیر و ابریشم بسیار و دخله‌اء متواتر... (افضل‌الدین کرمانی، ۲۵۳۶: ۱۲۹).

از دیگر محصولات کرمان می‌توان به پنبه اشاره کرد. این کالا یکی از صادرات مهم کرمان بوده است (ر. ک: گلاب‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۲). پنبه یکی از مهم‌ترین مواد صنعتی بوده که در تولید پارچه‌های کرباسی استفاده می‌شده است (ر. ک: رضوی، ۱۳۹۰: ۳۴۹). از مناطق پنبه‌خیز کرمان ناحیه بهرام‌آباد رفسنجان بوده که پنبه آنجا به هندوستان صادر می‌شده است (ر. ک: گلاب‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۶۶).

از محصولات صنعتی دیگر که می‌توان نام برد، پارچه‌های پنبه‌ای بم بودند که به سرزمین‌ها و شهرهای دور فرستاده می‌شدند. علاوه بر این، طلیسان‌ها و جامه‌های بم از محصولات صنعتی بودند که در خراسان و عراق و مصر به فروش می‌رسیدند. هم‌زمان با دوره ایلخانان، صنعت نساجی رونق زیادی

عمده این محصولات برای صادرات به مناطق دیگر، به هرموز راه می یافتند و از آنجا به وسیله کشتی به ممالک مختلف ارسال می شدند (ر. ک: لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۴۳). خود منطقه هرموز که بندرگاه و مرکز تجارت و محل داد و ستد کرمان محسوب می شد (ر. ک: ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۷۶)، دارای محصولاتی از جمله گندم و میوه بوده است (ر. ک: میلیون، ۱۳۶۹: ۴۸-۴۹). اما عمده درآمد اقتصادی این منطقه از تجارت با هندوستان بوده است (ر. ک: رحیمی؛ جاوید، بی تا: ۱۱۷)، صادرات اسب به منطقه معبر^۱ هندوستان، یکی از درآمدهای منطقه هرموز به شمار می رفت (ر. ک: میلیون، ۱۳۶۹: ۱۹۳-۱۹۴؛ آیتی، ۱۳۷۲: ۱۷۳).

در مجموع باید گفت که سیاست اقتصادی و عملکرد پادشاهان قراختایی به ویژه ترکان خاتون و دخترش پادشاه خاتون سبب شد که کرمان زمان ایلخانان از رشد و رونق اقتصادی قابل توجهی برخوردار شود.

۷. نتیجه گیری

پژوهش حاضر بر آن بود تا ضمن ارائه مطالبی درباره اوضاع سیاسی کرمان، همزمان با حاکمیت زنان حاکمه قراختایی، نقش آنان در توسعه اقتصادی کرمان را مورد واکاوی قرار دهد. نتایج حاصل از پژوهش، عبارتند از:

۱. زنان حاکمه این دودمان - ترکان خاتون و

یافت و بسیاری از شهرها، از جمله کرمان، در این زمینه فعال بود (ر. ک: رضوی، ۱۳۹۰: ۳۵۲). در این زمان است که مارکوپولو از انواع پرده های رنگارنگ و رو متکایی و ملافه و ناز بالش های حریر در کرمان سخن می گوید (ر. ک: میلیون، ۱۳۶۹: ۴۴).

نیل یکی دیگر از محصولاتی بود که در کرمان تولید می شد:

نیل که رنگ آبی از آن به دست می آورند ... از قرن ششم در ایران کشت می شد ولی فقط در کرمان به عمل می آمد (پطروشفسکی؛ یان؛ اسمیت، ۱۳۶۶: ۲۷).

مارکوپولو همچنین از وجود معادن آهن و فولاد در کرمان سخن می گوید و یادآور می شود در کرمان بهترین زین و یراق، دهنه و لگام اسب، شمشیر و کمان و تیردان هر نوع اسلحه ساخته می شود (همان جا). وجود معادن مختلف در کرمان یکی دیگر از منابع درآمد به شمار می رفت. زکریای قزوینی می گوید: «در آنجا معدن طلا و نقره و آهن و مس و توتیا باشد» (زکریا قزوینی، ۱۳۷۳: ۲۴۹). کوهبانان از جمله مناطقی بوده که مقدار زیادی آهن، فولاد و سرمه استخراج می کرده است (ر. ک: میلیون، ۱۳۶۹: ۵۰) و مؤلف *عرایس الجواهر*، که در حدود سال ۷۰۰ق در کرمان بوده، می نویسد که در کوه های جنوبی کرمان دو سه معدن طلا دیده است (ر. ک: کاشانی، ۱۳۴۵: ۲۱۶). به گفته همین مؤلف، ترکان خاتون، الماسی به وزن سیزده مثقال پیشکش اباقاخان نموده است (همان: ۸۱).

۱. معبر (maabar) کروماندل امروزی در هندوستان است (میلیون، ۱۳۶۹: ۲۹۸).

ناکارآمدی پادشاهان قراختایی، دچار آشفتگی گشت و در نتیجه با از میان رفتن امنیت، اوضاع اقتصادی نیز در مسیر زوال قرار گرفت.

پادشاه خاتون - با قدرت تدبیر، توانستند آسایش را در این منطقه ایجاد کنند تا از قبل آن زمینه را برای ثبات سیاسی و رونق اوضاع اقتصادی به وجود آورند.

منابع

ابن حوقل (۱۳۶۶). *صورة الارض*. ترجمه و توضیح جعفر شعار. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.

آذری، علاءالدین (۱۳۶۷). *تاریخ روابط ایران و چین*. تهران: امیرکبیر.

افضل‌الدین کرمانی، ابوحامد (۲۵۳۶). *عقد‌العلی للموقف‌العلی*. به تصحیح علی محمد عامری. چاپ دوم. تهران: روزبهان.

اقبال، عباس (۱۳۲۸). *مطالعاتی در باب بحرین و جزایر خلیج فارس*. تهران: مجلس.

آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۲). *تحریر تاریخ و صاف*. چاپ دوم. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی پژوهشگاه.

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۶۷). *از سیر تا پیاز*. بی‌جا: علمی.

پطروشفسکی، ا. پ؛ یان، کارل؛ اسمیت، جان ماسون (۱۳۶۶). *تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره مغول*. تهران: اطلاعات.

پیرنیا، محمدکریم؛ افسر، کرامت‌الله (۱۳۵۰). *راه و رباط*. تهران: سازمان ملی حفاظت از آثار باستانی ایران.

تاریخ شاهی قراخطاییان کرمان. مؤلف ناشناس. تهران: علم. ۱۳۹۰.

ترکمنی‌آذر، پروین (۱۳۸۹). «نقش هوشمندی و تدبیر سیاسی حکومتهای کرمان در ایجاد امنیت و توسعه جامعه (مطالعه موردی حکومت ترکان خاتون قراختایی در کرمان)». *جستارهای تاریخی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*. دوره اول. ش ۱. ص ۲۰-۱.

۲. در کنار ثبات سیاسی، اوضاع اقتصادی نیز در کرمان مسیر ترقی را پیش گرفت و در این رونق، اقدامات این زنان شامل ایجاد رباط، کاروانسرا، تعمیر برج و باروی شهرها و ایجاد امنیت در مسیر راه‌ها قابل توجه است، به طوری که در زمان آنان کرمان، علاوه بر تجارت با مناطق داخلی و همجوار، نقش مهمی در تجارت امپراطوری ایلخانان در مسیرهای مختلف ایفا می‌کرد و علاوه بر سود حاصل از فروش محصولات مناطق خود، سود زیادی از حق‌العبور کالا به دست می‌آورد.

۳. البته در کنار حسن تدبیر این بانوان و نقش فعال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، نباید از نقش وزرا، مستوفیان و کارداران آنها نیز غافل شد. در واقع وجود این کارداران با کفایت باز نشان از هوش و درایت این بانوان در گزینش کارگزاران کارآمد می‌باشد. از جمله کارگزارانی که با اقدامات خود سبب رونق اقتصادی این منطقه شدند، می‌توان به صاحب اعظم نظام‌الدوله، نظام‌الملک مجدالمه، شیخ جمال‌الدین ارسلان، جمال‌الدین ابهری، فخرالملک شمس‌الدین (وزیر) و ظهیرالملک (مستوفی) اشاره کرد. برخی از آنها با ساخت حصارها و فضیل‌ها در مناطق مختلف سبب ایجاد امنیت و رونق و آبادانی شدند و بعضی نیز همچون فخرالملک شمس‌الدین و ظهیرالملک به اقتضای منصب خود باعث ایجاد امنیت اقتصادی و تکثیر مال‌های بسیار در خزانه و دیوان شدند.

اما با مرگ پادشاه خاتون، اوضاع کرمان در اثر

مستقط و عمان، بحرین و قطر و روابط آنها با ایران. تصحیح و تحشیه و پیوست‌های احمد اقتداری. بی‌جا: دنیای کتاب.

شبانکاره‌ای، محمدبن علی بن محمد (۱۳۶۲). مجمع‌الانساب. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر.

ضیاءشهبابی، شهریار (۱۳۸۱). اعلام جغرافیایی کرمان به استناد معجم‌البلدان یاقوت حموی. کرمان: کرمان‌شناسی.

عباسی، جواد؛ امیری، لیلا (۱۳۹۰). «تجارت کرمان از سده‌های ششم تا هشتم هجری با تأکید بر جایگاه جیرفت». مجله مطالعات ایرانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه باهنر کرمان. سال دهم. ش ۱۹. ص ۳۰۱-۳۲۰.

فضلی‌نژاد، احمد (۱۳۹۴). «ایران و تجارت بین‌المللی دریای سیاه در دوران ایلخانان». چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ایران گذشته، حال، آینده.

قزوینی، زکریابن محمدبن محمود (۱۳۷۳). آثار البلاد و اخبار العباد. ترجمه جهانگیرمیرزا. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر.

کاشانی، ابوالقاسم عبدالله (۱۳۴۵). عرایس الجواهر و نفایس الاطیاب. به کوشش ایرج افشار. تهران: انجمن آثار ملی.

کریمی، علیرضا؛ رضائی، محمد (۱۳۹۲). «روابط تجاری ایران و جنوا در دوره ایلخانی». فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء. سال بیست و سوم. دوره جدید. ش ۱۸. ص ۶۸-۵۱.

کیانی، محمدیوسف؛ کلایس، ولفرام (۱۳۷۳). کاروانسراهای ایران. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

گابریل، آلفونس (۱۳۴۸). تحقیقات جغرافیایی راجع

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۸). خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز. چاپ پنجم. تهران: سمت.

حدود العالم من المشرق الی المغرب. مؤلف ناشناس. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: طهوری. ۱۳۶۱.

حسینی فسائی، حسن (۱۳۶۷). فارسنامه ناصری، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر. مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲). نزهة القلوب، به سعی و اهتمام گای لسترنج، تهران: امیرکبیر.

خوافی، احمدبن محمد (۱۳۴۰). مجمل فصیحی. تصحیح محمود فرخ. بخش دوم ج ۱. بی‌جا: باستان. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین حسینی (۱۳۵۳). حبیب السیر، تصحیح محمد دبیر سیاقی. چاپ دوم. تهران: خیام.

خیراندیش، عبدالرسول (۱۳۷۹). «اوقاف قراختیایان کرمان (نمونه‌ای از اقدامات وقفی فرمانروایان زن در تاریخ ایران)». وقف میراث جاویدان. سال هشتم. ش ۲۹. ص ۲۵-۳۲.

رحیمی، سجاد؛ جاوید، مرضیه (بی‌تا). «نقش هرموز در تبادلات اقتصادی خلیج فارس و اقیانوس هند در قرن هشتم و نهم هجری». پژوهش در تاریخ. سال سوم. ش ۱۰. ص ۱۱۰-۱۲۶.

رضوی، ابوالفضل (۱۳۸۸). «راه‌های تجاری در عهد ایلخانی». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. ش ۱۳۷. ص ۲۲-۳۵.

رضوی، ابوالفضل (۱۳۹۰). شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.

روح الامینی، فاطمه‌بیگم؛ نادری، شهناز؛ صفا، عزیزالله (۱۳۸۴). گنجینه: آموزش و پرورش شهر کرمان در آینه تاریخ. کرمان: مؤسسه فرهنگی و هنری آفتاب کرمان.

سدیدالسلطنه، محمدعلی خان (۱۳۷۰). تاریخ

- به ایران. ترجمه فتحعلی خواجه نوری. تکمیل و تصحیح هومان خواجه نوری. تهران: ابن‌سینا. گلاب‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۲). *کرمان در گذر تاریخ*. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- لس‌ترینج، گای (۱۳۳۷). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*. ترجمه محمود عرفان. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مرسلپور، محسن (۱۳۸۷). *تاریخ سلجوقیان کرمان*. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*. ترجمه علینقی منزوی. بی‌جا: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- منشی کرمانی، ناصرالدین (۱۳۶۲). *سمط العلی* *للحضرة العلیا*. تصحیح عباس اقبال. چاپ دوم. تهران: اساطیر.
- میلیونه، ایمل (۱۳۶۹). *سفرنامه مارکوپولو*. ترجمه منصور سجادی و آنجلادی جوانی رومانو. تهران: ابوعلی.
- هادی زاده کاخکی، سعید (۱۳۸۹). *کاروانسرا در ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی*.
- وثوقی رهبری، علی اکبر (۱۳۸۰). *تاریخ تمدن و فرهنگ سیرجان، کرمان: کرمان شناسی*.
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۴). *تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، تهران: سمت*.
- یاقوت حموی (۱۳۸۰). *معجم البلدان*. ترجمه علینقی منزوی. تهران: سازمان میراث فرهنگی.